

فضا و مؤلفه‌های سازنده آن در شعر انقلاب با تأکید بر اشعار بعد از انقلاب صفارزاده

دکتر علی اکبر کمالی نهاد

عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان - پردیس شهید باهنر اراک

چکیده

فضاسازی از عوامل مهم و تأثیرگذار در آفرینش و قوت کلام ادبی است و در دوره‌های مختلف شعر فارسی، دگرگونی‌های زیادی در فضاهای شعری ایجاد شده است. انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن، به خصوص جنگ تحمیلی، تأثیر عمیقی بر شاعران انقلابی و فضای شعر آن‌ها نهاد و فضاهایی به وجود آورد که تا پیش از آن در شعر فارسی معادل آنها کمتر حس شده بود. این فضاها که از قرآن، باورهای عمیق الهی، حادثه کربلا، انتظار، شهادت، مفاهیم اجتماعی و دیگر موضوعات جامعه دینی معاصر سرچشمه گرفته‌اند، شعر و اندیشه شاعران انقلابی مثل صفارزاده را تشکیل می‌دهند. این پژوهش به تحلیل فضاهای شعری در مجموعه‌های پس از انقلاب صفارزاده پرداخته و مؤلفه‌های سازنده این فضاها را بررسی نموده است. بر این اساس فضاهای مذهبی، مفهوم انتظار، رماتیک و احساسی، یأس و ناامیدی، غم و اندوه و انتقادی و اعتراض‌آمیز از مهم‌ترین فضاهای حاکم بر شعر صفارزاده پس از انقلاب بوده و مؤلفه‌هایی چون عاطفه، توصیف، واژگان، تصویر، لحن، موسیقی، روایت، روحيات شاعرانه، شروع هنری و حسن ختام و تلمیحات از مهم‌ترین عوامل سازنده این فضاها می‌باشند.

واژگان کلیدی: فضاسازی شاعرانه، طاهره صفارزاده، شعر انقلاب، فضای شعر

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

۱- مقدمه:

فضاسازی را می‌توان از نتایج کوشش هنری برای ارائه‌ی تجربه‌های بهتر جوشش شاعرانه دانست که شاعر باید با آن عادت کند و به شیوه‌ها و شگردهای مختلف، آن را ایجاد نماید تا با همراهی دیگر زمینه‌ها و عوامل، اثر هنری‌تر و مؤثرتری خلق نماید. فضاسازی یا آنچه در فرهنگ‌های اصطلاحات ادبی از آن با عنوان «mood» یا «atmosphere» یاد شده، همان است که در زبان فارسی فضا یا فضا و رنگ گویند. (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۸۲) این عنصر همان حس غالب و عمومی‌ای است که شاعر بر اثر خود مسلط می‌نماید و در شعر دارای اهمیتی ویژه است و با همراهی لحن شاعرانه تأثیر عاطفی شعر را ایجاد می‌نماید.

مسلماً در آفرینش، زیبایی، تأثیرگذاری و قوت کلام ادبی و سخن هنرمندانه، عوامل و عناصری، خواه جوششی و خواه کوششی، نقش دارند و شعر را تحت تأثیر قرار می‌دهند که فضاسازی از مهم‌ترین آنهاست و در این پژوهش نقش، اهمیت و جایگاه آن را در شعر صفارزاده بررسی می‌نماییم.

۱-۱- طرح مسأله:

در برخی از دوره‌های شعر فارسی دگرگونی‌های زیادی در فضای شعری ایجاد شده است؛ به‌گونه‌ای که شعر در حال و هوا و فضایی متفاوت از دوران پیش از خود سیر کرده است. آن‌چنان‌که مثلاً با ظهور سنایی فضای شعری نیز تغییر یافت و حال و هوایی معنوی و آسمانی وارد شعر شد و با ظهور مولانا و حافظ این فضا پررنگ‌تر و وارد حرم ستر و عفاف و ملکوت گشت، در دوران مشروطه و شعر معاصر نیز دگرگونی‌هایی در فضاهای شعری شکل گرفت و تحولات جامعه، بر ذهن و زبان شاعران، تخیلات و تصاویر شاعرانه‌ی آنها نیز تأثیر گذاشت.

در دهه‌های اخیر وقوع انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن، به خصوص جنگ تحمیلی، تأثیر عمیقی بر شاعران انقلابی نهاد که این تأثیرات در فضای شعر آنها نیز جلوه یافت و فضاهایی به وجود آورد که تا پیش از آن در شعر فارسی معادل آنها کمتر حس شده بود. با اذعان به این نکته که شعر به طور عام و شعر انقلاب به طور خاص، تشکیل شده از فضاهایی مختلف است، معتقدیم بررسی این فضاها، قوت و تأثیرگذاری آن‌ها، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در ساخت آنها و میزان موفقیت شاعران انقلابی در ساخت آنها و ... می‌تواند ما را در شناخت و درکی بهتر از شعر دوره‌ای مهم در تاریخ ادبیات کشورمان یاری رساند و تحلیل اشعار پس از انقلاب صفارزاده به عنوان یکی از شاعران تأثیرگذار و بزرگ شعر انقلاب از این منظر، می‌تواند در ایجاد شناخت و درک بهتر ما از ویژگی‌ها، فضاها و مضامین شعر او مؤثر باشد.

۲-۱- پیشینه‌ی تحقیق:

بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی فضاسازی، در حوزه‌ی داستان هستند؛ جمال میرصادقی در کتاب «عناصر داستان»، فضاسازی را به عنوان یکی از عناصر داستان معرفی می‌کند. مقالاتی نیز این عنصر را در داستان‌های مختلف بررسی کرده‌اند؛ از آن جمله مقاله‌ی «لحن و فضاسازی در رمان زیبا، نوشته‌ی محمد حجازی» از ناهید چگینی و «شاعرانگی فضا در "من زانت نیستم" با نگاهی به مفهوم مکان‌کاوی گاستن باشلار» (دوستی، ۱۳۹۱: ۵۲ - ۴۸)؛ در حوزه‌ی هنر سینما نیز «فضاسازی شاعرانه در اثر هنری» تأثیر فضاسازی را در آفرینش فیلم شاعرانه بررسی کرده است. (فرشته حکمت، ۱۳۸۹: ۵۰ - ۳۷) در خصوص نقد و تحلیل شعر صفارزاده نیز از دیدگاه‌ها و جنبه‌های مختلف نقدهایی انجام شده است؛ اما در حوزه‌ی شعر و ساخت فضاهای شعری و مؤلفه‌های سازنده‌ی آنها در شعر او پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

۳-۱- شیوه‌ی کار:

این پژوهش در ابتدا به معرفی فضای شعر و عوامل مؤثر بر ساخت، شکل‌گیری و موفقیت فضاسازی شاعرانه پرداخته و به تحلیل فضاهای شاعرانه و عوامل ساخت این فضاها در اشعار پس از انقلاب صفارزاده می‌پردازد و با بررسی میزان بهره‌مندی، قوت و ضعف و بسامد کاربرد هر مؤلفه در اشعار انقلابی او، فضای کلی شعر او و مؤلفه‌ها و عوامل سازنده‌ی آن فضاها را تشریح می‌کند.

۲- تعریف فضا و اهمیت و نقش آن در انسجام و تأثیرگذاری شعر:

شعر و سخن شاعرانه نیز چون بسیاری دیگر از موضوعات و مسایلی که انسان به آن‌ها فکر می‌کند یا در خیال خود می‌پروراند، دارای فضایی است. انسان تنها زمانی قادر است حالتی خاص، مثلاً ناراحتی یا خوشحالی را به فردی دیگر منتقل نماید که فضایی غمگین یا شاد ایجاد کرده باشد و این فضا نیز توسط دیگران قابل درک باشد. فضا را می‌توان به عنوان وسیله‌ای در نظر گرفت تا انسان‌ها از طریق آن عواطف، احساسات، تفکرات و اندیشه‌های خود را به دیگران منتقل نمایند؛ تا انسانی نتواند فضای ذهن خود را که در قالب تفکر یا احساسی خاص به وجود آمده است، به تصویر بکشد، دیگری نمی‌تواند آن را درک نماید.

فضای شعر، خلق محیطی شاعرانه است که در آن عناصر شعرساز چنان به هم آمیخته‌اند که تفکیک آنها از یکدیگر امکان‌پذیر نیست. به عبارتی: فضا سازی شاعرانه هنری است که تسلط بر آن، احتیاج به تجربه و مهارت بسیار در فنون شعری دارد. شاعری که شعر عاشقانه می‌گوید، شاعری که شعر حماسی می‌سراید و آن کس که مرثیه سُرّاست، همگی برای خلق و ایجاد فضاهای احساسی و عاشقانه، جنگ و ستیز و غم و اندوه، نیاز به خلق محیطی دارند که بتوانند احساس و اندیشه‌ی خود را آن گونه که هست، انتقال دهند. (طاهری و رحمانی، ۱۳۹۰: ۷۳)

بارها شده است که هنگام خواندن شعری، بگوییم این شعر فضایی غمگین و اندوه‌بار یا فضایی شاد، رمانتیک و... دارد. بدون توجه به مؤلفه‌هایی که این فضا را ایجاد می‌کنند، ما ناخودآگاه حال و هوای شعر را می‌شناسیم؛ اما باید دانست که شاعر در سرودن شعر به چه چیزهایی توجه کرده و کدام مؤلفه‌ها را به کار گرفته که چنین فضاهایی در ذهن ما ایجاد شده است؟

فضا معمولاً از خواندن بخش‌هایی از شعر یا همه‌ی آن احساس می‌شود و مجموعه‌ای از عناصر سازنده‌ی شعر در ساخت آن نقش دارند. گاهی یکی از این عناصر برجستگی بیشتری دارد و گاهی از مجموع آنها فضا به وجود می‌آید. اگر پیوند و هماهنگی کاملی بین این عناصر برقرار نباشد، فضا پریشان می‌شود و در نتیجه انتقال عاطفه به مخاطب به‌خوبی انجام نمی‌گیرد؛ مثلاً برخی منتقدین، خاقانی را مورد نکوهش قرار داده‌اند که چرا مرثیه‌ای را در وزن شاد (مفعول مفاعیلن فعولن) سروده است:

ای قبله‌ی جان کجات جویم؟
جان‌ی و به جان هوات جویم (خاقانی، ۱۳۸۰: ۳۰۴)

در واقع این وزن به خاطر ریتم تند آن، فضایی شاد بر شعر حاکم ساخته و با موضوع آن تضاد ایجاد کرده است.

۳- شعر انقلاب و فضاهای شاعرانه در آن:

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حوادث قرن که مورد اهمیت و کانون توجه جهانیان بوده است، با ایجاد فضاهایی تازه، زمینه‌ی آفرینش ادبیاتی متناسب با فضای تازه و نیازهای آن فراهم آورد و به عنوان جریانی سیاسی، فکری و اجتماعی، بر محتوا و درون‌مایه‌ی آثار ادبی بویژه شعر، تأثیری عمیق و گسترده نهاد و ادبیات انقلاب بازتاب باورها، نگرش‌ها، اندیشه‌ها و آرمان‌های بلند زلالی است که امت بزرگ ما را از گذرگاه دشوارترین لحظه‌ها، حادثه‌ها و وقایع گذرانده و به امروز رسانده است؛ جریان زلال و جوشانی که از قرآن و باورهای عمیق الهی سرچشمه گرفته، از

عطش کربلا گذشته و امتی عاشق و بالنده را آب‌دیده، صبور، بزرگ و پیروز ساخته است و تجلی جدی آن را می‌توان در سخن برخی از شاعران چون صفارزاده مشاهده کرد.

باری، در شعر دوران انقلاب اسلامی و پس از آن با توجه به تحولات و نگرش‌های تازه، با فضاهای متنوع و افق‌های روشن و نوینی مواجه هستیم و در این فضاهای تازه، شاعر گاه به طوری گسترده‌تر و ژرف‌تر به موضوعات توجه داشته و گاه نیز چشم‌ها را شسته و جور دیگری به امور پیرامون نگریسته است. در تحلیل شعر صفارزاده به عنوان یکی از شاعران مطرح این دوره، بررسی فضاهای مختلف شعری، نوع نگاه او به موضوعات و امور پیرامون، شیوه‌ی تصویرگری و تخیلاتش، عناصر و مؤلفه‌های مؤثر در ساخت فضاهای شاعرانه‌ی او و ... از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است و ما را در شناخت هر چه بیشتر و عمیق‌تر از کلام هنری او رهنمون می‌گردد.

۴- عناصر و مؤلفه‌های سازنده‌ی فضا در شعر:

در شعر کلاسیک وزن و بسیاری اوقات ردیف یا مؤلفه‌های دیگر به ایجاد این فضا کمک می‌کند. وزن‌هایی که غم را انتقال می‌دهند، سنگینی خاصی دارند و وزن‌های حماسی نیز که هیجان را تعریف می‌کنند، این‌گونه‌اند؛ وزن‌های عاشقانه هم که سماع عشق را دف می‌زنند، جای خودشان را دارند. شاعر شعر کلاسیک بسیاری از اوقات با انتخاب وزن، از قبل فضای شعرش را انتخاب کرده است. آثار کلاسیک نشان می‌دهند که در بسیاری از اوقات انتخاب ردیف هم در خلق فضای شاعرانه کمک می‌کند؛ برای مثال در غزل «هیچ مگو»ی مولوی، شاعر این خلقت شاعرانه را با قدرت نمایش داده است:

من غلام قمرم غیر قمر هیچ مگو ... پیش من جز سخن شمع و شکر هیچ مگو ... (مولوی، ۱۳۷۷: ۸۳۲)

شعر عاشقانه باید در فضایی عاشقانه قرار بگیرد تا احساس و اندیشه‌ی عاشقانه را منتقل کند. بسیاری از مرثیه‌سرایان به این دلیل در خلق مرثیه‌ها موفق نبوده‌اند که نتوانسته‌اند اندوه مرگ را انتقال دهند؛ چون در خلق فضای اندوه، به دلیل عدم توانایی در فضاسازی قدرتمند، موفق نبوده‌اند. تسلط بر این معنا، علاوه بر استعداد و علم و تجربه‌ی شاعرانگی، نیازمند «آن شاعرانه»ی است که بتواند فضا را آن‌گونه ترسیم کند که مخاطب خود را در فضاسازی شاعر دخیل بداند و آن فضا را تنفس کند.

فضاسازی شاعرانه که از جمله عوامل موفقیت در شعر شاعران معاصر است، با شدتی بیشتر در شعر انقلاب نیز مورد توجه شاعران این دوره و شعر صفارزاده به طور خاص است. در ساخت فضای شعر عناصر مختلفی دخیل‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عاطفه، واژگان، توصیف، تصویر، تصویرکانونی، موسیقی، لحن، روحیات شاعر، مقدمه‌چینی و حسن ختام مناسب شعر، روایت، تلمیحات، صفت، حرکت، سادگی و بی‌پیرایگی سخن، گفت‌وگو و ... اشاره کرد؛ در ادامه به معرفی برخی از مهم‌ترین عناصر سازنده‌ی فضای شعر به طور عام و اشعار بعد از انقلاب صفارزاده به صورت خاص می‌پردازیم:

۱-۴- عاطفه:

هر شاعر و هنرمندی با شیوه و نگاه خاص خود به مسایل و موضوعات می‌نگرد و متأثر از احساسات و عواطف ویژه‌اش، طرز نگاهی متفاوت با دیگران ممکن است داشته باشد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل پیوند دهنده و انسجام کلام هنری و اصلی‌ترین عنصری که پیکره‌ی اصلی شعر را سامان می‌دهد و همه‌ی اجزای شعر را به هم می‌پیوندد و در نهایت فضای یکسانی ایجاد می‌کند، عاطفه‌ی حاکم بر روح و روان شاعر باشد.

این همان چیزی است که در دوره‌ها و سبک‌های مختلف شعر فارسی، تفاوت‌ها و ویژگی‌های مختلف سبکی شاعران و طرز نگاه و تخیلات و تصویرگری‌های گوناگون آنان را موجب گشته است. هنر با غلبه‌ی یک احساس و عاطفه بر روح هنرمند آغاز می‌شود. «عاطفه یا احساس، زمینه‌ی درونی و معنوی شعر است، به اعتبار کیفیت برخورد شاعر با جهان خارج و حوادث پیرامونش.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۸۷) در حقیقت شاعر عواطف، روحيات، احساسات و درونيات خویش را در ظرف تصویرهای شعری و تخیلات هنری ارائه می‌نماید.

۲-۴- واژگان:

واژگان در شعر ابزار و مواد اولیه در عینی کردن و بروز اندیشه و عاطفه هستند. هم‌نشینی و قرارگرفتن هنرمندانه‌ی واژگان در کنار یکدیگر، به سخن جنبش و تکاپو می‌دهد و شعر را به وجود می‌آورد. عوامل زیادی در گزینش واژگان شعر نقش دارند که برخی از آنها برون‌زبانی هستند؛ مانند: «شخصیت فردی شاعر بویژه حالات روحی وی، مخاطبان شعر، سنت و میراث ادبی، گذشته‌ی تاریخی، محیط شاعر و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان.» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲) و برخی عوامل درون‌زبانی هستند؛ مانند: «عوامل ساختاری واژه، شگردهای بلاغی، موسیقی، اصول هم‌نشینی و هم‌سازی واژه‌ها با یکدیگر و تداعی‌هایی که هر واژه ممکن است سبب آنها شود.» (عمرانپور، ۱۳۸۶: ۱۵۷) شاعر واژگان

را رام می‌کند و در صف‌های مختلفی قرار می‌دهد که در دایره‌ی شعر به جنب و جوش می‌پردازند. مضامین و مسائل و ابعاد مختلف در حوزه‌ی ادبیات انقلاب اسلامی و در شعر صفارزاده به عنوان یکی از شاعران این دوره، مستلزم به‌کارگیری واژگانی متناسب با آن مضامین و ساخت فضایی است که بتواند معنا را در خود بپروراند و شعر در آن حرکت کند و رشد و نمو یابد. چنانچه گفته‌اند: «یکی دیگر از شاخصه‌های لفظی و ساختاری شعر انقلاب، گستره‌ی دایره‌ی واژگانی است... حادثه‌ی انقلاب با محتوای اندیشگی خاص خود و دیدگاه‌های تعلیمی ویژه، واژگان و اصطلاحاتی را وارد عرصه‌ی ادبیات کرد...» (کافی، ۱۳۸۹: ۷۸) و یکی از مهارت‌ها و استعداد‌های طاهره صفارزاده، هنر واژه‌سازی و ترکیب‌سازی‌های نو و در خور توجه اوست که توانسته است برای ساخت فضا‌های شاعرانه به خوبی از این عنصر استفاده نماید.

۳-۴- تصویر:

تصویر یا همان خیال از ارکان و پایه‌های اولیه‌ی سخن منظوم است و اصطلاحی است که در تعاریف و معانی مختلفی که از گذشته‌های دور برای شعر آورده‌اند، وجود دارد و با شکل‌های گوناگونی در تعریف سخن شاعرانه جلوه کرده است. منظور از تصویرپردازی صرفاً ایجاد پایه‌های تشبیهی و خیال‌پردازی در تصویر نیست؛ بلکه هرگونه

تجسم‌سازی، وصف، خیال‌پردازی و بیان برجسته‌ای که مخاطب را در فضای خاص قرار بدهد، در حوزه‌ی تصویر قرار می‌گیرد. خیال، عنصر اصلی و سازنده‌ی شعر است که بدون آن شعر مفهوم واقعی خود را از دست خواهد داد. میزان موفقیت یک شاعر در تصویرسازی، از یک نظر بستگی به میزان قدرت تداعی‌های او دارد و شاعرانی که چشمی تیزبین و محفوظات بیشتری دارند، تصاویر پویاتری ارائه می‌دهند. به تعبیر دیگر تصاویر بر اساس تداعی‌هایی که واژگان و مفاهیم به همراه خود دارند، در ذهن شاعر و خواننده شکل می‌گیرند. شاعر یا نویسنده از قابلیت‌ها و تمهیدات سخن‌پردازی بهره می‌برد تا بتواند عاطفه را منتقل سازد و از این طریق قدرت زبان را در انتقال عاطفه می‌افزاید و در نتیجه ساخت فضاهای شاعرانه تا حد قابل توجهی وابسته به این تصاویر و تخیلات شاعر است و شبکه در هم تنیده این تصاویر است که فضای شعر و کلی سخن صفارزاده را نشان می‌دهد.

۴-۴- تصویر مرکزی یا کانونی:

یکی از انواع تصویرگری‌ها در شعر، تصویر کلی و عمده‌ی حاکم بر سخن و فضای ذهنی شاعر است؛ جهان‌بینی، دانش، گرایش‌ها، عواطف و قدرت هنری که شاخصه‌های سبکی و فردیت هر شاعر را مشخص می‌نمایند، باعث می‌شوند تا در مضامین و محتواهای آثار هنری‌اش به تصویرگری و طبع‌آزمایی پیرامون برخی موضوعات و تجربه‌های خاص بیشتر بپردازد و محتوای آثارش به سمت و سوهای خاصی بیشتر متمایل باشد. حال وقتی موضوعی یا محتوایی محور کانونی و مرکزی یک شعر قرار می‌گیرد، بالطبع تصاویر خیال و عناصر جزئی‌تر و کوچک‌تر شعر او نیز پیرامون این موضوع هستند.

درواقع این شیوه و شگرد از عوامل مهم و تأثیرگذار در ساخت فضای شاعرانه است و بسیاری از عوامل فضا‌ساز دیگر با آن در ارتباط و تعامل هستند و تداعی‌های متنوعی را باعث می‌شود. انتخاب یک موضوع محوری مثل یک تلمیح داستانی برای یک شعر و تداعی‌های مختلف پیرامون این تلمیح، ایجاد شبکه‌های متنوع مراعات‌الظنیرها در ارتباط با زیرموضوع‌های آن تلمیح، گزینش واژگان و اصطلاحات مرتبط با آن مضمون و... همه و همه مواردی هستند که در یک شعر می‌توانند با انتخاب و تخیل شاعر و با توجه به ایجاد یک تصویر کانونی توسط او، درهم تنیده شوند و فضای کلی یک شعر را تشکیل دهند.

نمونه‌ی این نوع تصویرگری را در اشعار انقلابی صفارزاده که تصویری مرکزی مثل عاشورا، جنگ، پایداری، آزادی، انتظار و ... محور اصلی تداعی‌های او قرار گرفته و فضای کلی شعر با مؤلفه‌های مختلف فضا‌ساز ترسیم شده‌اند، فراوان می‌بینیم.

۵-۴- توصیف:

ظاهراً وصف را از نوآوری‌های نویسندگان سبک فنی دانسته‌اند که توسط بیهقی ایجاد شده است: «به وسیله‌ی آوردن الفاظ و مصطلحات تازه که در محاورات آن روز مستعمل بوده است و استعمال جمله‌های پی‌درپی مطلب را کاملاً روشن سازد و بیان واقعه را به طریقی بیاراید که خواننده را در برابر آن واقعه قرار دهد و به تمام اجزاء واقعه رهنمونی کند.

فضا و مؤلفه‌های سازنده آن در شعر انقلاب با تأکید بر اشعار بعد از انقلاب صفارزاده / ۱۷۵۵

«(بهار، ۱۳۵۵: ۶۹) و در ادب پارسی معاصر نیز دقت در توصیف و بیان جزئیات مناظر از اساسی‌ترین فنون در داستان نویسی است که شباهت زیادی به توصیف در آثار کهن دارد.

توصیف نیز در ایجاد فضای شعر نقش دارد؛ برخی توصیف را «به عنوان سکوی پرش برای فضا و حال و هوا می‌دانند.» (نوبل، ۱۳۸۷: ۹۸) با توصیف، شاعر مجموعه‌ای از اوصاف شیء یا پدیده‌ای را در قالب تمهیدات بیانی به دنبال یکدیگر می‌آورد و از پراکندگی تصاویر که موجب تغییر فضای شعر می‌شود، جلوگیری می‌کند. در خصوص آن گفته‌اند: «تمام آرایش‌های ادبی و تکنیک‌هایی که هنرمند در آفرینش اثر خود از آنها سود می‌جوید، در تحلیل نهایی خود منجر به توصیف می‌شود.» (صرفی، ۱۳۸۴: ۲۸۵)

توصیف از اجزای شکل دهنده‌ی تصویر است؛ هر چند که در آن استعاره و مجاز نباشد. برای شکل‌گیری تصویر باید شاعر اوصاف یک چیز را توصیف نماید. حوزه‌ی توصیف بسیار گسترده‌تر از آرایش‌های کلامی و مصادیق بیان و بدیع و... است و صفت و گونه‌های مختلف آن و ذکر ویژگی‌ها و اوصاف افراد، وقایع، مضامین و... یکی از انواع توصیف را تشکیل می‌دهد و می‌تواند در ساخت فضای شعر مؤثر باشد. می‌توان گفت تنوع و عرصه‌ی زمینه‌های تخیل و تصویر در توصیف فراوان است و وصف در ساخت و پویایی شعر بیشتر اهمیت دارد. توصیف در دل خود می‌تواند از استعاره و تشبیه و مجاز و... بهره بگیرد.

۶-۴- موسیقی:

شعر مظهر تجلی موسیقایی زبان است و هر شاعر، خواسته یا ناخواسته، به نحوی با موسیقی در ارتباط است؛ به بیانی: «شاعران بزرگ، بزرگ‌ترین شیفتگان موسیقی بوده‌اند و توفیق اکثر شاهکارهای ادبی جهان در میزان نزدیکی آنها به حوزه‌های موسیقی می‌باشد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۸۹) حوزه‌ی موسیقی بسیار گسترده و وسیع است و نظام و جاذبه‌ای است که در حوزه‌های مختلف و به شیوه‌های گوناگون فضای شعر را ایجاد می‌کند و کلام را به هم می‌پوندد. طنین موسیقایی برخی واژگان، تکرار واک‌ها، کاربرد بعضی بحرهای عروضی و استفاده از وزن‌های خاص و آوردن هجاهای خاص در مقاطع یا جاهای خاص و نظم در آوردن آنها و داشتن لحنی ویژه و... همه در ایجاد فضاهای شعری مؤثرند و بخش عظیمی از زیبایی و تأثیرگذاری شعر، ناشی از انواع موسیقی به کار رفته در آن است. موسیقی را هر نوع تناسب، خواه صوتی و خواه معنوی در حوزه‌ی تعریفی آهنگ قرار داده و چنین بیان داشته‌اند: «مجموعه‌ی تناسب‌هایی که در یک شعر می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، چه وزن عروضی، چه ردیف و قافیه و چه تناسب‌های میان صامت‌ها و مصوت‌های کلمات یک شعر و چه موسیقی معنوی.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۰۲) و این موارد همه در به وجود آوردن حال و هوای حاکم بر شعر و محیط کلی و فضای اثر نقش اساسی دارند.

۷-۴- لحن:

لحن از عوامل و مؤلفه‌هایی است که شاعر از آن در انتقال عاطفه و تجربیات خویش بهره می‌برد. شاعر برای اینکه بتواند همان احساس یا تجربه‌ای را که به او دست داده، به مخاطب منتقل نماید یا همان انتظار عاطفی را که از مخاطب

دارد، بدان برسد، از لحن بهره می‌برد. در مقابل، خواننده نیز باید سخن شاعر را با همان لحنی که منظور او بوده، بخواند و دریافت نماید تا به همان احساس، عاطفه یا تجربه‌ای که شاعر در نظر داشته، دست یابد.

لحن شیوه‌ی بیان هر شخصیت است که بیانگر تجربیات شخصی، اجتماعی و روحیات و عواطف درونی اوست و با توجه به اهمیتی که در انتقال احساسات و عواطف و ایجاد فضاهای شاعرانه دارد و با نظر به نقش‌های زیباشناختی که می‌تواند در شعر داشته باشد، « همیشه به عنوان یکی از ارکان اساسی شعر مورد توجه بوده و شعرا متناسب با موضوعات گوناگون، از انواع مختلف آن از قبیل عارفانه، عاشقانه، رندانه، زیرکانه، ستایش‌آمیز، حق به جانب، تفاخرآمیز، خطابی، صادقانه، احمقانه یا ساده‌لوحانه، تحقیرآمیز، التماس‌گونه، استدلالی، خرافی، بحرانی، هیجانی، رقت‌انگیز، غافل‌گیرکننده و غیره بهره برده‌اند.» (عمرانپور، ۱۳۸۴: ۱۳۱)

۸-۴- روحیات شاعر:

در بررسی فضا باید به روحیات، نگرش، تخصص و علائق شاعر توجه داشت؛ زیرا گاهی شاعر بر اساس آنها، به انتقال پیام، اندیشه و موضوعی در فضایی خاص می‌پردازد؛ به عنوان مثال فردوسی موضوعات مختلفی را در فضایی حماسی بیان کرده است؛ اما شعر نظامی عاطفی‌تر و عاشقانه‌تر است. از نگاهی دیگر می‌توان گفت تخیل و ذهنیت فردوسی بعد از گذشت سال‌ها سرودن در فضایی حماسی، به گونه‌ای با این فضا عجین شده است. از همین نوع است سخن سعدی در باب پنجم بوستان که با آنکه می‌خواهد حماسه‌سرایی کند، شعرش تا حدی در فضایی غنایی به پیش می‌رود.

روحیات صفارزاده نیز یقیناً در ایجاد فضاهای مختلف موجود در شعرش نقش داشته‌اند. وجود فضاهای حماسی، غنایی، طنز و انتقادی، دینی و مذهبی، حزن و اندوه، یأس و ناامیدی و... از مهم‌ترین روحیات موجود در فضای شعر صفارزاده هستند که همگی ناشی از روحیات، اندیشه‌ها، میزان دانش، دردمندی و خصایص شاعرانه او هستند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در فضاهای شاعرانه‌ی ایجاد شده توسط آنها جلوه کرده است.

۹-۴- روایت:

منطق زندگی بشر پیش از آن که بر اساس رابطه‌ی علی و معلولی باشد، منطق داستانی است. این رخدادها هستند که زندگی ما را نقش می‌کنند و هر داستانی توالی رخدادها در بستر زمان است. بنابراین انسان برای درک پدیده‌های پیرامون خویش به روایت و شناخت آن نیازمند است.

در حوزه‌ی ادبیات بررسی عنصر روایت و کارکردهای روایی منحصر به نوع ادبی خاصی نیست و هر ژانر ادبی که جنبه‌ی حکایتی و روایی دارد، از نظر ساختار روایی قابل بررسی است؛ این عنصر در شعر نیز اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به طوری که فردینان دو سوسور این مجموعه‌ی منسجم و یکپارچه را «سیستم» یا «نظام» نامیده است و زبان‌شناسان عمدتاً آن را «ساختار» می‌نامند. (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۵) و عنصر روایت و ساختار روایی یکی از عوامل رسیدن به این ساختار و ایجاد این نظام است.

روایت علاوه بر داستان، یکی از شگردهای شاعرانه است که می‌تواند موجب فضا سازی و تأثیرگذاری شعر شود. جریان شعر از جایی آغاز می‌شود و معمولاً بدون گسستگی و پراکندگی ادامه یافته و در نقطه‌ای به پایان می‌رسد. روایت، عنصر مهمی در شعر انقلاب محسوب می‌شود. شعر انقلاب شعر زندگی است و زندگی یک روایت بلند است و شعری که حکایت حیات بشر را روایت می‌کند، باید با روایت‌گری پیوندی عمیق داشته باشد.

۱۰-۴- مقدمه‌چینی و حسن ختام مناسب:

از جمله عواملی که محور عمودی یک شعر را منسجم و دارای ساختاری نظام‌مند و قوی می‌نماید و فضایی متراکم و به هم پیوسته در آن می‌سازد، می‌توان به وحدت اندیشه و خیال شاعر اشاره کرد. این زمینه باعث می‌شود از ابتدا تا پایان شعر با فضای خوب و هنرمندانه‌ای که شاعر در آغاز کلام ایجاد کرده است، مرتبط و نظام‌مند به ذهن برسد و شاعر با ترسیم و توصیف یک فضای خیال‌انگیز در ابتدای اثر و وارد کردن مخاطب در آن و نگه داشتن او در این فضا تا پایان شعر، و ترسیم هنری و زیبایی همان فضا در پایان اثر، محور عمودی شعر را تقویت کرده و حالت تعلیق و تأثیر گذاری سخنش را دوچندان نماید. به طوری که گویا خواننده با شاعر در یک فضای شاعرانه و یک احساس و تجربه وارد شده، با او سیر کرده و تا پایان شعر همراه است؛ برای مثال در اشعاری مثل «خوان هشتم» و «زمستان» از اخوان ثالث، «هست شب» از نیما، «ندای آغاز» از سهراب سپهری، «آرش کمانگیر» از سیاوش کسرای و ... شاهد چنین فضا سازی‌های ابتدایی و پایانی موفق هستیم.

در ساخت فضای کلی حاکم بر شعر و اشعار انقلابی صفارزاده به طور خاص، عناصر، عوامل و مؤلفه‌های دیگری نیز تأثیرگذارند که به دلیل اهمیت کمتر از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

۵- شعر صفارزاده و فضاهای کلی حاکم بر آن:

صفارزاده از شاعران صاحب‌نظر و موفق است که سخن او از برجستگی و اهمیت خاصی در ادب فارسی معاصر برخوردار است و در حوزه‌های دینی و مذهبی به گونه‌ای کمال و پختگی می‌رسد. حضور طولانی‌اش در مجامع علمی و ادبی معاصر و کارنامه‌ی پربرگ آثارش، مورد توجه علاقه‌مندان و منتقدان بوده است. در نزد مردم ایران شهرت صفارزاده با شعر «کودک قرن» پدید آمد که در نخستین کتاب شعر او به چاپ رسیده و توصیفی از وضعیت فرزند یک مادر اشرافی و ترسیمی از انحطاط فرهنگ غربگرایانه بود. صفارزاده در نتیجه‌ی تلاش‌هایش، به تعاریف و نظریات جدیدی در زمینه‌ی هنر و به‌ویژه شعر توفیق یافت. نخستین نمونه‌ی این قبیل شعرهایش او را به شهرت، اعتبار و احترامی قابل توجه در میان شاعران و نویسندگان کشورهای مختلف جهان رساند و ارتباط‌های ادبی متقابلی را میان او و شاعران و هنرمندان دیگر کشورها پدید آورد. کتاب «چتر سرخ» نام مجموعه‌ای کوچک از شعرهای انگلیسی طاهره صفارزاده است که در سال ۱۹۸۶ میلادی از سوی دانشگاه آیووا به چاپ رسیده است. بسیاری از شعرهای این کتاب به زبان‌های گوناگون شرقی و غربی ترجمه شده‌اند.

صفارزاده به دلیل تحقیقات و مطالعات ادبی، به سبک خاص خود در شعر دست یافته بود که عنوان «شعر طنین» بر آن نهاد. از آنجاکه این نمونه شعرهای صفارزاده به دلیل مضامین و درون مایه‌های آن‌ها از گونه‌ی شعرهای مقاومت دینی و

طنز سیاسی محسوب می‌شدند، حکومت‌پسند نبودند. به همین دلیل به اتهام نوشتن شعر «مقاومت دینی» در سال ۱۳۵۵ از دانشگاه اخراج شد و در زمان خانه‌نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد و در نهایت مجموعه‌ی «سفر پنجم» او که دربرگیرنده‌ی اشعار مقاومت با مضامین دینی است، در سال ۱۳۵۶ در دو ماه، به سه چاپ با شمارگان سی‌هزار رسید. او رهایی اجتماع را بری از ستمگری‌ها می‌خواهد؛ همان‌طور که خود می‌گوید: «شاعر باید در جامعه‌ی خود سدی در برابر انحراف از انصاف و تهاجم سلطه‌ی جهل و ستمگری باشد و با منطق اندیشه با آن‌ها مقابله کند.» (رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۸۲)

«تو کیستی / تو شاعر حق‌گویی / و آبروی ستم را / همواره برده‌ای.» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۷۴)

از ظاهره صفارزاده ۱۱ مجموعه شعر و ۵ گزیده اشعار انتشار یافته و گزیده‌ی سروده‌های او به زبان‌های گوناگون ترجمه شده‌اند. رهگذر مهتاب، چتر سرخ، طنین در دلتا، سد و بازوان، سفر پنجم، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، روشنگران راه، در پیشواز صلح و از جلوه‌های جهانی مجموعه‌های شعری او را تشکیل می‌دهند و گزیده‌های شعری او حرکت و دیروز، گزیده اشعار فارسی و انگلیسی، اندیشه در هدایت شعر، هفت سفر و طنین بیداری هستند.

در آثار شعری صفارزاده سیر طولانی او از نگرش شعری نوقدمایی تا بینش شعری نوین به وضوح مشاهده می‌شود. مجموعه‌های نخستین شاعر که مربوط به سال‌های پیش از انقلاب می‌شوند، روشن‌فکری و انسان‌گرایی شاعر را منعکس می‌کنند. در این آثار برخی مایه‌های اسطوره‌ای و مذهبی همچنین طنزهای تلخ اجتماعی مشاهده می‌شود؛ اما در نتیجه‌ی تفاوت نگرش هنری او، مجموعه‌های بعد از انقلاب او متمایز از مجموعه‌های پیشین است. او در مجموعه‌های اول بیشتر دغدغه‌های زیبایی‌شناسی و فرم‌گرایی دارد؛ اما «در مجموعه‌های بیعت با بیداری (۱۳۵۶) و دیدار صبح (۱۳۶۶) شاعر فارغ از دغدغه‌های فرم و زیبایی‌شناسی شعری غرق در محتوا می‌گردد.» (روزبه، ۱۳۸۶: ۲۵۹)

در مجموعه‌های بعد از انقلاب، شعر او با رویکردهایی از شعر مقاومت پیوند خورده و به شعر مذهبی روی می‌آورد. در مجموعه‌هایی مانند بیعت با بیداری و سفر پنجم «اعتقاد اسلامی و روح اعتراض مذهبی کاملاً غلبه یافته است.» (یاحقی، ۱۳۸۸: ۱۵۲) البته این گرایش شاعر به محتوا، با نگاه فرمالیستی او در تضاد کامل نبود؛ زیرا او «متأثر از فرهنگ شعری غرب، همواره با ضعف و شدت جانب فرم را نیز نگاه داشته است.» (روزبه، ۱۳۸۶: ۲۵۹)

بنابر این برای حیات شعری او نیز می‌توان دوره‌هایی نسبتاً متمایز قائل شد؛ چنانچه منتقدان ادبی حیات ادبی او را در سه دوره‌ی شعری تفکیک کرده‌اند. البته این دوره‌ها گاهی نزدیکی‌هایی با هم دارند؛ اما از بنیاد متفاوتند. دوره‌ی اول شاعری صفارزاده از سال ۱۳۳۵ و با چاپ نخستین مجموعه شعر او با عنوان «رهگذر مهتاب» آغاز می‌شود و تا انتشار مجموعه‌ی سفر پنجم ادامه می‌یابد. در این فاصله‌ی زمانی آنچه در شعر او وجود دارد، تجربه‌های فردی و احساسی جوانی است. شاخصه‌های اصلی شعر صفارزاده در این دوره، گرایش به روایت و پیچیدگی در زبان است. در این دوره مجموعه‌های رهگذر مهتاب، دفتر دوم، طنین در دلتا و سد و بازوان سروده شده‌اند.

دوره‌ی دوم زندگی ادبی صفارزاده از سال ۱۳۵۶ با چاپ مجموعه‌های «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» آغاز شد. در سفر پنجم صفارزاده نشان می‌دهد که تغییرات عمیق و وسیعی در آثار بعدی او به وجود خواهد آمد. در مرحله‌ی دوم

فضا و مؤلفه‌های سازنده آن در شعر انقلاب با تأکید بر اشعار بعد از انقلاب صفارزاده / ۱۷۵۹

شعر او، بیشتر عموم جامعه مخاطب قرار می‌گیرند. در این دوره شاعر به سبکی مستقل و زبانی کارآمد و منسجم دست پیدا می‌کند و ساده‌گویی را در پیش می‌گیرد. در این دوره محتواگرایی بیشتر مورد توجه بوده است. به گفته‌ی زرقانی، صفارزاده در این دوره، «زبان و شیوه‌ی بیان شعرش بسیار ساده و لبریز از گزاره‌های خطابی و شعارگونه است.» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۶۷۸)

صفارزاده در دوره‌ی سوم شاعری خود می‌کوشد تا منطقی و آرام باشد. دیگر نه احساسی‌گری دوره‌ی اول را نشان می‌دهد و نه هیجانات و آشفتگی دوره‌ی دوم را همراه دارد. در واقع دوره‌ی سوم زندگی ادبی شاعر را باید دوره‌ی کمال ادبی او به شمار آورد؛ زیرا شاعر با تلاش خود طی سالیانی از مرحله‌ی آزمون و خطا (دوره‌ی اول) گذر می‌کند و پس از افتادن در پیچیده‌گویی و بیان روایی (دوره‌ی دوم)، به بیان ساده و صمیمی مطلوب خود می‌رسد. برای بررسی فضاهای حاکم بر شعر او و مؤلفه‌های سازنده‌ی آنها، این نکته را به صورت جداگانه در هر کدام از مجموعه‌های شعری پس از انقلاب او بررسی کرده و خلاصه‌ای از فضاهای حاکم بر آن مجموعه‌ها ارائه نموده و سپس به جمع‌بندی نهایی در این حوزه خواهیم پرداخت:

۶- تحلیل فضاهای شاعرانه و مؤلفه‌های سازنده‌ی آنها در اشعار بعد از انقلاب صفارزاده:

۱-۶- بیعت با بیداری:

«بیعت با بیداری» مجموعه‌شعری است که اولین شعر آن در تاریخ اسفند ۵۶ و آخرین شعر آن در آذرماه ۵۸ سروده شده‌اند؛ یعنی در دو سال متلاطم و تعیین‌کننده در تاریخ ایران که در آن یکی از برجسته‌ترین رخدادهای تاریخ ایران به وقوع می‌پیوندد. این واقعه‌ی تاریخی، نقش جاوید خویش را در این دفتر به جای گذاشته است. انقلاب اسلامی روح و تفکر شاعر را متحول کرد؛ به‌گونه‌ای که او بر خود واجب می‌دانست در این حرکت عظیم شرکت کند و سهم خود را نسبت به آن ادا کند. این مجموعه شامل ۱۸ قطعه شعر است که فضای عمده‌ی آن سیاسی است. علاوه بر این فضای کلی که حاصل و نتیجه‌ی طبیعی اوضاع زمانه است، فضاهای دیگر از جمله انتقادی و اعتراضی، رمانتیک اجتماعی، اندوه و یأس، عاطفی، انتظار و امیدواری نیز وجود دارند که غالباً با رنگ و بوی سیاسی توأم هستند. متناسب با این فضای سیاسی و انقلابی، درصد وام‌گیری شاعر از واژگان مربوطه مانند: راه، شهید و شهادت، بیداری، صدا، شب، مرگ، تابوت، قبر، خون، گلوله و... در این مجموعه چشمگیر است؛ به عبارتی فضاسازی واژگانی نیز در مجموعه چشم‌گیر است.

شعر بلند «سفر بیداران» که در دی‌ماه ۵۷ سروده شده است، یکی از بهترین نمونه اشعار این دفتر است که جهان‌بینی سیاسی و اجتماعی صفارزاده را به وضوح در خود منعکس کرده است:

همیشه از بیداری می‌گویم / تا بازوان عشق زیر سر ماست، / باید بیدار بود / باید ز خواب هراسید / وآمدن شب را /

ندیده گرفت / و این پیام جهاد است. (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۱۴)

زبان ساده و بهنجار این قطعه شعر تأثیر بسزایی در همگام شدن مخاطب با حال و هوای شعر دارد. این شعر، مانند دیگر اشعار بلند صفارزاده، جلوه‌گاه تلاقی فضاهای گوناگونی از جمله مذهبی، یأس و اندوه و اعتراض است؛ یکی از عناصر مهمی که در خدمت فضا سازی این شعر قرار گرفته، تخیل است:

و در خیابان / باران دارد می‌بارد / بارانی از گلوله / گلوله می‌بارد / گلوله می‌بارد / صدای دعوت قم می‌بارد. (همان: ۳۰۸)

استفاده‌ی به‌جا و زیبا از تعبیر قرآنی «صدای دعوت قم می‌بارد» که در آن کلمه‌ی «قم» اشاره‌ای به آیه‌ی ۷۴ از سوره‌ی مبارکه‌ی مدثر؛ یعنی «قُمْ فَأَنْذِرْ» دارد، تأثیر بسیاری در ساخت فضای این شعر داشته است. صفارزاده در این شعر با تخیلی سیال، فضای شعر را به مخاطب انتقال داده و شعری تجسمی به وجود آورده است. در این شعر استفاده از ابزاری چون توصیف، دایره‌ی واژگانی متناسب با فضا و تلمیحات تاریخی و مذهبی، مهم‌ترین عناصر و ویژگی‌های روایت شعر و سازنده‌ی فضای آن هستند.

صفارزاده در مجموعه‌ی بیعت با بیداری، در برهه‌های پس از سال ۵۸ نگاه امیدوارانه و همگام و همسو با انقلاب اسلامی به خود می‌گیرد و مخاطبان خود را با جریان جامعه‌ی خویش همراه می‌سازد. فضای حاصل از این نگاه، فضایی است امیدوارانه و پرشور که با بهره‌گیری صحیح وی از واژه‌ها و فرهنگ غنی مذهبی، حال و هوایی حماسی خلق می‌کند.

شعر «آبادی ددان» از اشعار سیاسی این مجموعه است که فضایی اعتراضی و انتقادی بر آن سایه افکنده است و مهم‌ترین عنصر سازنده‌ی فضای آن، رابطه‌ی عاطفی و شاعرانه‌ای است که به خوبی میان پیام شعر و کلمات آن برقرار شده است:

معمار خارجی / بنای داخلی / برج و بنای قلعه‌ی دزدان / مشرف به قوم دزد زده / مشرف به سرپناه. (همان: ۲۸۷)

این فضا، فضایی مردد و فاقد ثبات است که سیل واژگان متضاد و مترادف آن را برای مخاطب تداعی می‌کنند. از طرف دیگر لحن زننده و گزنده‌ی شاعر که از همین واژگان حاصل شده، از دیگر ارکان فضا ساز شعر است. پراقبال‌ترین شعر این مجموعه که در ذهن شعرخوانان بیشتر حضور یافته، شعر «انتظار» است که سال‌هاست در کتاب‌های درسی نیز تدریس می‌شود. عنوان این شعر بیان کننده‌ی محتوا و مضمون و طبیعتاً فضای آن است:

همیشه منتظرت هستم / بی آنکه در رکود نشستن باشم، / همیشه منتظرت هستم. (همان: ۳۳۷)

عنصر تکرار، یکی از عوامل فضا ساز این شعر کوتاه است؛ چنان‌که اندیشه‌ی مرکزی «انتظار» با ۵ بار تکرار جمله‌ی «منتظرت هستم» در طول شعر، تقویت می‌شود. ضمن اینکه کاربرد قید «همیشه» نیز بر این تقویت بار معنایی، مؤثر بوده است.

۲-۶- دیدار صبح:

«دیدار صبح» گزیده شعرهایی هستند که در سال ۱۳۶۶ چاپ شده و محتوای آن را مسایل بعد از انقلاب و حوادث مربوط به جنگ از سال ۵۹ تا ۱۳۶۵ تشکیل می‌دهند. صفارزاده در این مجموعه گاهی در نقش راوی ظاهر

فضا و مؤلفه‌های سازنده آن در شعر انقلاب با تأکید بر اشعار بعد از انقلاب صفارزاده / ۱۷۶۱

می‌شود و حوادث و رویدادها را بیان می‌کند. بنابراین عنصر روایت سهم بسزایی در این مجموعه دارد. این مجموعه شامل ۳۸ قطعه شعر است که فضای عارفانه و مذهبی از عمده فضاهای تشکیل دهنده آنهاست. از دیگر فضاهایی که در این مجموعه، مخاطب با آن روبه‌رو است، عبارتند از: غم و اندوه، اعتراض، یأس، حماسه، سوررئال، ایثار و شهادت و تعلیم.

«بانوی ما» یکی از زیباترین قطعات مذهبی صفارزاده در این مجموعه است. فضای زنده و پویای این شعر، علاوه بر بهره‌گیری شاعر از عناصر و واژگان، ترکیبات و اشاره‌های مذهبی، مرهون بهره‌گیری از بیانی تصویری است که در طی آن انسان، طبیعت و مذهب را به هم پیوسته و به کلمات تصویری زنده و پویا داده و تحولی در واژگان شاعرانه ایجاد کرده است:

بانو نشسته بود / بر تپه ای بلند / خورشید / از بطون دشت برون می‌زد. (همان: ۴۸۱)

مجموعه‌ای از واژگان عرفانی و سوررئال نیز در این قطعه، گاهی فضای عارفانه به شعر القا می‌کند:

مهمان کیستم که چنین / عاشقانه در راهم / مهمان صاحب ازلی / مهمان صاحب ابدی. (همان: ۴۹۰)

در شعر «از معبر سکوت و شکنجه» شاعر افشاگر ضمن اشاره به مظلومیت مردم ایرلند در مبارزات آزادی‌خواهانه و همچنین مظلومیت ملت ایران در دفاع مقدس و آوارگان فلسطینی، به گلایه از سازمان‌هایی می‌پردازد که در ظاهر سنگ دفاع از حقوق بشر را بر سینه می‌زنند، ولی در مقام عمل جز سکوت کار دیگری نمی‌کنند:

و بمب / آن گونه ماهرانه / نقش شکنجه را / از جسم‌های شهیدان زدوده است / که رهروان دفاع / مدافعین نامی بین‌الملل / در غیبت گواه و سند / در مرز داوری / زیان‌شان بسته است... (همان: ۴۲۱-۴۲۰)

علاوه بر این روحیه انتقادی که فضایی اعتراض‌آمیز را به‌وجود آورده است، در ادامه‌ی شعر با فضای دیگری مواجه می‌شویم که فضای ایثار و شهادت است:

و نوجوانان/ دور از حصار تجزیه و تحلیل / یک شبه مرد جوان شدند / پهلوان شدند. (همان: ۴۱۹)

لحن شورانگیز و استفاده از زبانی فخیم در این شعر، فضایی حماسی به وجود آورده است. در کنار این لحن حماسی، تصویرسازی نیز از دیگر مؤلفه‌های سازنده‌ی این فضا است و حال و هوای جنگ و شهادت در جای‌جای این دفتر شعری به چشم می‌خورد. برای نمونه در شعر «پیشواز» سلسله واژگان احساسی و لطیف چون: سرزمین آسمانی، پرواز، نور، بطن آبی، آبی بالا و... فضایی رمانتیک ساخته‌اند:

در سرزمین آسمانی جبهه / کسی به خویش نمی‌اندیشد / کسی به مرگ و مال نمی‌اندیشد... (همان: ۴۲۲)

از مهم‌ترین مفاهیمی که صفارزاده بدان اعتقاد دارد، مفهوم انتظار موعود است که موجب خلق اشعاری با فضای انتظار شده است. در این مجموعه در اشعاری چون: پیشواز، در انتظار کلام و جمعه‌ی دیدار قابل مشاهده است. برای نمونه شعر «جمعه‌ی دیدار» را مرور می‌کنیم:

آن بهترین اهل زمان / آن بهترین اهل زمین / او در نماز ایستاده / بر پاره‌ی حصیر... / از پایگاه آسمانی سرداب / او چیره می‌شود / به همه‌ی ماه. (همان: ۵۰۸-۵۰۷)

مخاطب در اولین برخورد با شعر که همان عنوان شعر است، فضای حاکم بر آن را به خوبی احساس می‌کند؛ چرا که ترکیب «جمعی دیدار» از ترکیباتی است که با این مضمون گره خورده است. از طرف دیگر واژه‌هایی که القا کننده امیدواری هستند، در هر سطر شعر، مخاطب را در جریان این فضا به پیش می‌برد.

۳-۶- در پیشواز صلح:

این مجموعه اولین بار از سوی انتشارات نیستان به عنوان نخستین مجلد «گزیده‌ی ادبیات معاصر» به چاپ رسید و شامل اشعاری است که بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ به شیوه‌ی کلاسیک سروده شده‌اند و اغلب مضامینی عاشقانه دارند. اساس اشعار در این مجموعه استفاده از اسم معنی و ماحصل، مفهوم‌گرایی محض است. شعر این مجموعه در ظاهر شعارگونه به نظر می‌رسد و شعار، نمودی از حماسه است. صفارزاده در این مجموعه نسبت به مجموعه‌های قبلی از تصویرپردازی فاصله گرفته و از بیان مستقیم و عریان سود می‌جوید (میرزایی، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

این مجموعه حاوی ۸ قطعه شعر است که جز یکی از آنها، بقیه بلند هستند؛ بنابراین می‌توان حکم کرد که عنصر روایت اساسی‌ترین مؤلفه‌ی سازنده‌ی فضا در این دفتر است. این مجموعه سرشار از مفاهیم مذهبی و اشارات دینی و اعتقادی است و فضای اصلی آن نیز تحت تأثیر این موضوع، مذهبی است که اعتقادات و باورهای دینی شاعر پدیدآورنده‌ی آن است:

خیل عظیم جهانی / جهان میلیون در میلیون‌ها / مخلوق صرف مانده / در جا زده / چرا که / توفیق بندگی حق را / پیدا نکرده است. (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۷۱۹)

شعر بلند «علی - علیه السلام» در وصف حضرت علی (ع) و ماجرای حکمیت سروده شده است. روایت و تلمیح عناصر اصلی فضا ساز این شعر هستند:

در کفن و دفن نور / با دست‌های نور / تاریکی جهالت / در زیر سقف سقیفه / با پیروان نفس / شتاب زده / به سهم ارث خلافت پرداخت. (همان: ۷۶۵)

علاوه بر این دو عنصر، سلسله‌ی واژگان و ترکیبات وصفی به کار رفته در شعر نیز سهم زیادی در فضا سازی داشته‌اند.

فضای امیدوارانه در اشتیاق ظهور منجی یکی از رگه‌های مذهبی است که صفارزاده به دلیل مرام انقلابی و تأثیرپذیری از بن‌مایه‌های دینی و فرهنگی آن را فراوان در شعرش ترسیم می‌کند. او همواره با نگاهی متعهدانه به شعر نگریسته و بدین وسیله با اعتقاد به آن امام بزرگوار، در پیشواز از صلح، بی‌تابی‌های خود را برای ظهورش چنین بیان می‌کند:

ای کاش / بیدار و دانش و دلاور باشیم / و لایق دلدادگی به معرفت / و لایق مراوده با فطرت. (همان: ۷۲۲)

صفارزاده براین باور بود که رفتن، به راه می‌پیوندد و ماندن، به رکود؛ از این رو معتقد بود که انتظار واقعی با خمودگی و بی‌حرکی مغایر است و باید مجهز و پویا باشیم.

فضا و مؤلفه‌های سازنده آن در شعر انقلاب با تأکید بر اشعار بعد از انقلاب صفارزاده / ۱۷۶۳

اگرچه فضاهای مذهبی در این دفتر حرف اول را می‌زنند، اما صفارزاده هیچ‌گاه اندیشه‌های سیاسی و اعتقادی خود را از یاد نبرده و بسترها و فضاهایی هرچند کوچک را به این مسایل اختصاص داده و انتقادات خود را در خلال اشعارش بیان داشته است.

۴-۶- روشنگران راه:

این مجموعه شامل ۴۴ عنوان از سروده‌های صفارزاده از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ است که در سال ۱۳۸۴ منتشر شد. این مجموعه به جهت پرداختن به قرآن‌پژوهی و ترجمه‌ی قرآن مجید و ادعیه‌ی اسلامی، رنگ و بوی کاملاً مذهبی دارد و به جز چند شعر مانند: گردشگران جهانی بم، در عصر فتنه، ناممکن‌ها، ترجمه‌ی شعری از او با عنوان «همنوایی ملت‌ها در امتداد خیابان‌ها» که به انگلیسی سروده شده و چند شعر دیگر، بیشتر اشعار این مجموعه شرح حال زندگانی امامان و فضایل اخلاقی آنان است.

این تأثیرات فراوان از قرآن و متون دینی، موجب شده است بافت و فضای کلی این دفتر مذهبی و دینی باشد؛ لذا بسامد واژگان برخاسته از فرهنگ مذهبی همچون: عدالت، بت‌شکن، باب‌الحوائج، کوثر آل عبا، توحید اهل رسالت، امام هادی، استغاثه، ناظر اعمال، الرحمان، شکرآلله، سجده، لیل‌ی مییت، قبله‌گاه، طیّ ارض و... در این مجموعه بالاست. علاوه بر این، حال و هوای انتقادی، احساسی، دلزدگی و یأس نیز در این مجموعه‌ی نسبتاً حجیم قابل دریافت است.

همان‌طور که اشاره شد، یکی از عمده‌ترین فضاهای این مجموعه مذهب است که استفاده‌ی شاعر از عنصر تلمیح از اصلی‌ترین عناصر ساخت این فضا است و بن‌مایه‌ی بیشتر این تلمیحات نیز غالباً اشارات مذهبی و دینی است و یکی از جلوه‌های مذهبی که در ساخت فضاهای ایثارگرانه و شهادت‌طلبانه‌ی این دفتر نقش بسزایی دارد، واقعه‌ی عاشورا، شخصیت‌ها و عناصر مربوط به آن هستند:

و عصر عاشورا / در راه است / و قلب زینب صابر می‌خواند / آه ای غریبه‌ای ستمکار / ما / اهل حق / رو به شام غریبان داریم. (همان: ۶۱۷)

تقریباً سه چهارم اشعار این مجموعه به واسطه‌ی بهره‌گیری فراوان شاعر از آبشخور مذهب و اعتقاد اسلامی، فضایی کاملاً مذهبی دارد. حتی در اشعاری که بر آنها حال و هوای اعتراض‌آمیز سیاسی نیز حکم فرماست، بوی مذهب به مشام می‌رسد.

شعر «رایانه در خطر ویروس» در این مجموعه حال و هوایی انتقادی دارد و شاعر دل‌زدگی و بیزاری خود را از مدرنیته در قالب ارائه‌ی دو تصویر متقابل و متضاد به مخاطب نشان می‌دهد. از طرفی ساخته‌ی دست بشر را که به نوعی آن را عامل دور شدن انسان از فطرت خویش و خدا می‌داند، در معرض نمایش می‌گذارد و با استفاده از واژه‌های رایانه و ویروس و هوشمند خواننده را در فضایی امروزی قرار می‌دهد و در طرف دیگر با نام بردن اجزایی از نظام آفرینش، سعی می‌کند مخاطب را وارد فضایی کند که در آن به تفکر بنشیند و سپس با قاطعیت تمام و با استفاده از یک عبارت قرآنی، مخاطب را در این فضا به وجود آمده قرار دهد:

از سال‌های حک شده در ناپیدا / رایانه‌ی خداوند / سالم مانده است / خورشید و ماه و ستاره / و فصل‌های پیاپی / همه سالم هستند / تا هوشمند ببیند / و با صدای بلند بگوید / «هذا برهان ربی». (همان: ۶۰۳-۶۰۲)

۵-۶- از جلوه‌های جهانی:

آخرین دفتر شعر صفارزاده است که اولین بار در نمایشگاه بیستم کتاب تهران در اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ عرضه شد. این دفتر حاوی ۲۰ شعر است که تاریخ سرایش ۱۹ عنوان آنها بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ ثبت شده است. فضای انتقادی، انتظار و امیدواری، تعلیمی و مذهبی عمده فضاها‌ی حاکم بر این مجموعه هستند.

شعر بلند «دسیسه‌ی انگور» در فضایی مذهبی به انتقاد از حاکمان زر و زور می‌پردازد. تصویر مرکزی تلمیح و اشاره به شخصیت‌هایی که پیش‌زمینه‌ی مذهبی دارند، از عوامل اصلی ساخت فضای این شعر هستند و شخصیت‌هایی مثل: مأمون، ابن‌ملجم، شمر، هارون الرشید و ابالحسن محورهای مهم این تلمیحات هستند:

همیشگی کینه / از آن مأمون است / امیر شیطان‌ها / سیاه‌کارتر از همتایانش / ابن‌ملجم و شمر (همان: ۸۳۷)

در این شعر، روایت و بازی با کلمات و ترکیب‌سازی، از عناصری هستند که در خدمت فضا قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر لحن گزنده و کنایه‌آمیز و توأم با استهزا و تحقیر، در تحریک احساس نفرت و انزجار مخاطب در فضایی انتقادی، مشهود است:

کوتوله سخت حسد می‌ورزید / به قامت صولت / به جاذبه‌ی نور / به فضل و علم الهی / به معجزات تابناک امام. (همان: ۸۳۹)

تکرار جمله‌ی «همیشگی کینه / از آن مأمون است.» در آغاز و انجام این قطعه، موجب انسجام فضای کلی شعر شده است.

یکی دیگر از اشعار انتقادی این مجموعه که عنوان مجموعه نیز از آن گرفته شده است، شعر «از جلوه‌های جهانی» است. شعری که مهم‌ترین و بارزترین مشخصه‌ی فضا‌ساز آن برخورداری از واژه‌ها و ترکیبات جدیدی از دنیای سیاست است که کمتر جایی در شعر داشته‌اند. دلزدگی شاعر از مدرنیته و مفهومی جدید تحت عنوان «جهانی شدن» که از سیاست‌های جهان‌خواران برای سلطه بر جهان سوم است، فضایی انتقادی و تیره به این شعر داده است و ترکیبات: سلطه‌گران جهانی، حق و تو، جهانی‌سازی، جهان‌شمول، استعمار، جهان‌وطنی، استثمار، نسل‌کشی، صادرات جهانی، نظام نوین جهانی و گردشگران جهانی از زمره‌ی این لغاتند.

شعر «داروغه» با فضایی حاکی از اختناق و ناامنی، از دیگر اشعار مجموعه است. عنصر محوری این شعر کوتاه، واژه‌ی داروغه با بار معنایی بسیار منفی آن است که تکرار آن در سراسر شعر، منجر به تأکید فضای شعر شده است:

داروغه‌ها / اندیشه‌های اسیران را / در زندان‌های خانگی / زیر تیغ نگاه / نگاه می‌دارند. (همان: ۸۴۱)

یکی دیگر از فضاها‌ی مهم که علاوه بر این مجموعه چنانچه ذکر شد، در سرتاسر آثار صفارزاده طنین افکنده، فضای انتظار موعود و امیدواری به ظهور ایشان است. او ظهور منجی‌ای را به خواننده نوید می‌دهد که به امر خداوند در جان و فکر دوست و دشمن رخنه می‌کند و فتنه را به دام می‌اندازد.

۷- نتیجه‌گیری:

طاهره صفارزاده از پیشگامان شعر مذهبی قبل از انقلاب است. منتقدان حیات شاعری او را به سه دوره تقسیم کرده‌اند؛ اما به طور کلی می‌توان اشعار او را به پیش از انقلاب و بعد از انقلاب تقسیم کرد. در اشعار هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن، محتوای کلی شعر صفارزاده با مسائل مربوط به این رویداد سیاسی گره‌ای ناگشودنی می‌خورد و مضامینی همچون مقاومت و ایثار و شهادت جزو ناگسستنی شعر او می‌گردند. به تبع تغییر موضوع و محتوا در این سال‌ها، فضای شعری او نیز دست‌خوش تغییر می‌گردد. در کنار فضاهای عمده و کلی مثل فضاهای دینی، مذهبی، انتظار، شهادت و...، خرده فضاهایی که پیش از جریان انقلاب در شعر او حجم بالایی داشتند، نیز در میان اشعار وی پراکنده شده‌اند؛ مانند فضای رمانتیک و احساسی، فضای یأس و ناامیدی، فضای غم و اندوه و...

فضای مذهبی و اعتقادی که پیش از انقلاب با سرودن اشعار «سفر پنجم» به صورت گسترده آغاز شده بود، در مجموعه‌ی «روشنگران راه» به اوج می‌رسد و این مجموعه از حیث داشتن فضای مذهبی در صدر مجموعه اشعار صفارزاده قرار دارد؛ یعنی حدود ۹۳٫۲٪ اشعار این مجموعه فضایی مذهبی دارند. پس از این مجموعه، «بیعت با بیداری با ۹۲٫۴٪ در دهی دوم دفترهای دارنده‌ی این فضا به شمار می‌رود. قرآن پژوهی، ترجمه‌ی قرآن و ادعیه، شرح حال زندگانی امامان و فضایل اخلاقی آنان و واقعه‌ی عاشورا و شخصیت‌ها و عناصر مربوط به آن، مهم‌ترین اجزای فضای مذهبی در شعر دوران بعد از انقلاب طاهره هستند.

فضا و حال و هوای انتظار و امید به ظهور منجی که یکی از جلوه‌های فضای مذهبی و اعتقادی و آیینی است، نیز در اشعار این دوره نمود می‌یابد که نسبت به اشعار پیش از انقلاب او رشد چشمگیری دارد.

دومین فضای گسترده شده بر شعر پس از انقلاب صفارزاده، فضای انتقادی و اعتراض‌آمیز همراه با حال و هوای حماسی است. این فضا در نتیجه‌ی همسو و همگام شدن شاعر با مسائل و رویدادهای سیاسی دوران و تلاش او برای دعوت به مبارزه علیه رژیم گذشته شکل گرفته است.

یکی دیگر از مضامینی که در این دوره در شعر صفارزاده مورد توجه است، توصیف رشادت‌های رزمندگان و صحنه‌های رزم و ایثار و شهادت است که گاه با حال و هوای اندوه و غم و گاه با فضای حماسی درآمیخته می‌گردد. مجموعه‌ی «دیدار صبح» که حاوی اشعار سال‌های ۵۹ تا ۶۱ است و حوادث جنگ را در بر می‌گیرد، از حیث دارا بودن این فضا رتبه‌ی نخست را دارد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های فضا‌ساز اشعار صفارزاده در این پنج مجموعه به ترتیب عبارتند از: تناسب واژگان و ترکیبات، تصویرسازی با تخیل، توصیف و تلمیحات مذهبی، لحن، روایت، سادگی زبان، تکرار، موسیقی و عاطفه.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، هماهنگی و تناسب واژه‌های به کار رفته در شعر با فضای حاکم بر آن، مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که شاعر در فضا‌سازی از آن بهره گرفته و پراکنده‌گی آن در تمام دفاتر بعد از انقلاب صفارزاده تقریباً برابر و مشابه است. تصویرسازی دومین عنصر فضا‌ساز شعر این دوره‌ی صفارزاده است. پایه‌های اصلی تصاویر شعری نیز تلمیح (عموماً مذهبی و آیینی)، تخیل سیال و توصیف است. فضا‌سازی که بر پایه‌ی عنصر تلمیح شکل می‌گیرد، همگام با رشد

فضاهای مذهبی فزونی می‌گیرد و در مجموعه‌ی «روشنگران راه» به اوج خود می‌رسد. عنصر توصیف به عنوان یکی از عوامل تصویرسازی نقش عمده‌ای در فضا سازی دو مجموعه‌ی پایانی یعنی «در پیشواز صلح» و «از جلوه‌های جهانی» دارد. لحن دیگر عنصری است که با استفاده از آن شاعر توانسته فضای مورد نظر خود را به مخاطب القا کند. این عنصر فضا ساز در مجموعه‌های آخر شاعر به گونه‌ای مشهودتر بروز یافته است. علت این امر آن است که هرچه شعر صفارزاده به سمت جلو پیش می‌رود، به میزان زیادی از پیچیدگی آن کاسته می‌شود و شعر حالت شعارگونه‌ی می‌یابد و بیان آن ساده‌تر و پخته‌تر می‌گردد. در نتیجه زبان و عناصر مربوط به آن از جمله لحن و تکرار جزئی از شعر، نقش پررنگ‌تری در فضا سازی ایفا می‌کنند. هم‌خوانی موسیقی و محتوای شعر نیز در مواردی به غنا و انسجام فضای اشعار کمک کرده است و همراه با دیگر مؤلفه‌های فضا سازی همچون عاطفه، نقشی به نسبت کمتر از دیگر عناصر در فضا سازی داشته‌اند.

منابع و مأخذ

۱. بهار، محمدتقی (۱۳۵۵)، *سبک شناسی* نشر، چاپ اول، ج ۲، تهران: امیر کبیر؛
۲. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۰)، *در سایه‌ی آفتاب*، چاپ اول، تهران: سخن؛
۳. خاقانی، افضل الدین بدیل بن علی نجار (۱۳۸۰)، *دیوان*، مقابله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات دکتر ضیاءالدین سجادی، چاپ چهارم، تهران: زوار؛
۴. رفیعی، سید علی محمد (۱۳۸۶)، «*بیدارگری در علم و هنر*»، شناختنامه‌ی طاهره صفارزاده، به کوشش سید علی محمد رفیعی، چاپ اول، تهران: هنر بیداری؛
۵. روزبه، محمدرضا (۱۳۸۶)، *ادبیات معاصر ایران (شعر)*، چاپ سوم، تهران: روزگار؛
۶. زرقلانی، سید مهدی (۱۳۸۷)، *چشم انداز شعر معاصر ایران*، چاپ اول، تهران: ثالث؛
۷. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۹)، *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*، چاپ اول، تهران: توس؛
۸. _____ (۱۳۷۶)، *موسیقی شعر*، چاپ پنجم، تهران: آگه؛
۹. صرفی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «*صحنه پردازی در ادبیات داستانی دفاع مقدس*»، نامه‌ی پایداری (مقالات اولین کنگره‌ی ادبیات پایداری)، به کوشش احمد امیری خراسانی، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، صص ۲۹۹ - ۲۸۱؛
۱۰. صفارزاده، طاهره (۱۳۹۱)، *مجموعه اشعار طاهره صفارزاده*، مقدمه‌نویس محمد حقوقی، تهران: پارس کتاب؛
۱۱. طاهری، حمید و مریم رحمانی (۱۳۹۰)، «*تصویر شعر سپید*»، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان، صص ۸۸ - ۵۷؛
۱۲. علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، *نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورت‌گرایی و ساخت‌گرایی)*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛

فضا و مؤلفه‌های سازنده آن در شعر انقلاب با تأکید بر اشعار بعد از انقلاب صفارزاده / ۱۷۶۷

۱۳. عمرانپور، محمدرضا (۱۳۸۶)، «اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر»، گوهرگویا، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۸۰-۱۵۳؛

۱۴. _____، _____ (۱۳۸۴)، «عوامل ایجاد، تغییر و تنوع و نقش لحن در شعر»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های ادبی، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۱۵۰-۱۲۷؛

۱۵. کافی، غلامرضا (۱۳۸۹)، شناخت ادبیات انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس؛

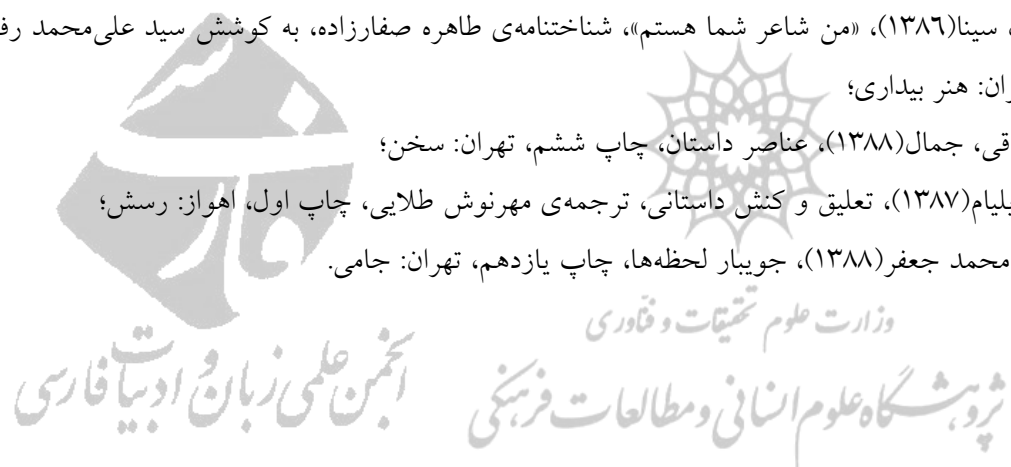
۱۶. مولوی، مولانا جلال‌الدین (۱۳۷۷)، کلیات دیوان شمس، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ چهارم، جلد ۲، تهران: نگاه؛

۱۷. میرزایی، سینا (۱۳۸۶)، «من شاعر شما هستم»، شناختنامه‌ی طاهره صفارزاده، به کوشش سید علی محمد رفیعی، چاپ اول، تهران: هنر بیداری؛

۱۸. میر صادقی، جمال (۱۳۸۸)، عناصر داستان، چاپ ششم، تهران: سخن؛

۱۹. نوبل، ویلیام (۱۳۸۷)، تعلیق و کنش داستانی، ترجمه‌ی مهرنوش طلایی، چاپ اول، اهواز: رسش؛

۲۰. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۸)، جویبار لحظه‌ها، چاپ یازدهم، تهران: جامی.



هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir